

← محسن بوالحسنى / حالا دقیقاً از آن روز که نام «نرجس خان علی زاده» به عنوان یکی از اولین قربانی های کرونا روی سنگ گوری جوان ثبت شد، یک سال می گذرد. یک سالی که تنها به قربانی شدن نرجس خانم جوان ختم نشد و چیزی حدود ۶۰ هزار نفر انسان، از شمار جمعیت ایران را به کام مرگ کشاند. رفتن هایی که هر کدام شان دل خانواده ای را از درد سرشار کرد. خانواده هایی که گاه در رفتن چهره های سرشناس و محبوب، جمعیتی به قدر و وسعت ایران شدند و رفتن هر کدام شان داغی و سوگی شد بر دل خانواده بزرگ ایران. به موازات جهان، این هستی و زمانه مادر ایران یک سال اخیر بود و هر روز این سؤال از هر مکالمه و معاشرتی انگار به گوش می رسد که «این روزها کی تمام خواهند شد و این مرگ ها و جوانمرگی ها کی به سر خواهند رسید؟» انسان گرفتار در این برهه و زمانه و هستی اما با چنگ و دندان می خواهد به مرگ «نه» بگوید. این شاید شبیه همان چیزی است که هایدگر در «هستی و زمان» از آن حرف می زند. جدال با مرگ برای زندگی؛ این

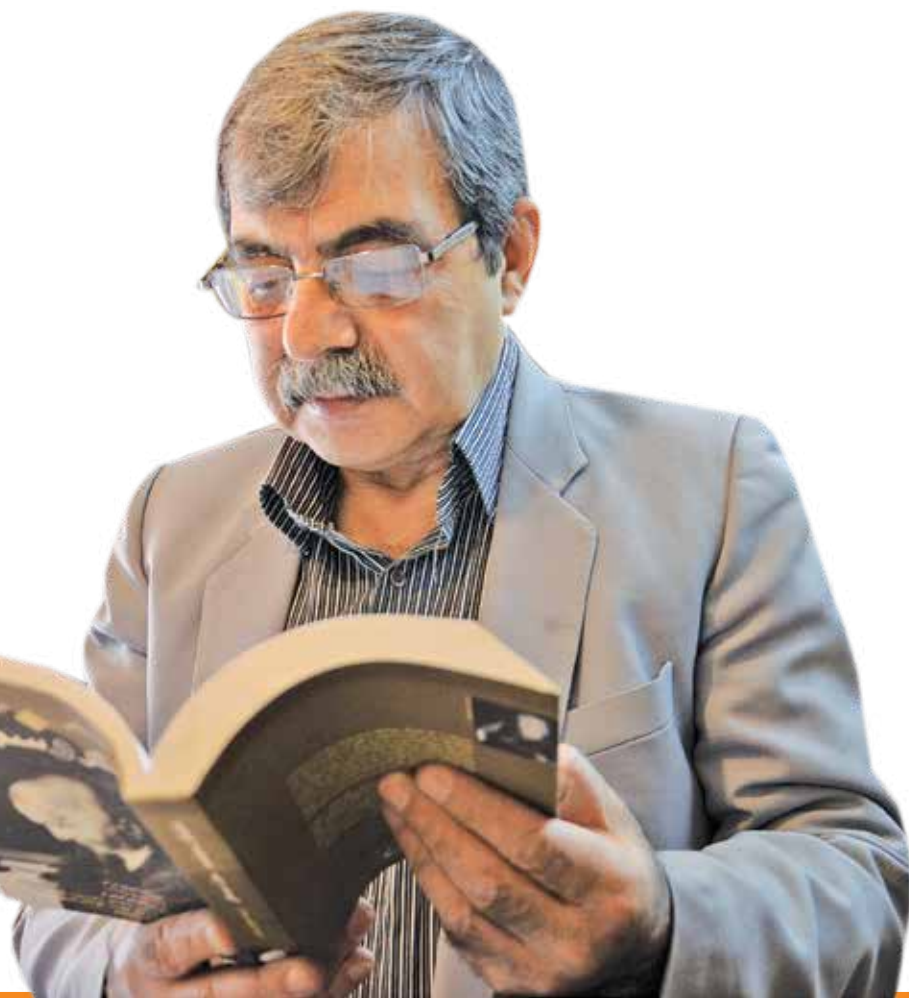
## سیاوش جمادی در گفت و گوبا «ایران جمعه»

### از فلسفه و نگاه به زندگی در دوران کرونا می گوید

# ما زنده هستیم و این یعنی آینده

یک سال از شیوع، یکه تازی و قربانی گرفتن ویروس کرونا در ایران می گذرد و به نظر آنچه امروز شاهد آن هستیم از یک طرف سوگ هایی تلنبار شده بر دوش جامعه است و از سویی دیگر بابه همین موازات وریشه گرفته از همین سوگ ها و نظم های خاص جدید، تغییر و تحول در نظام و شاکله نظم های فلسفی و البته اجتماعی جهان، آیا این فصل، فصل تازهای از زندگی بشر است که بی اراده و دخالت انسان سعی دارد آینده را دستخوش تغییرات و ساخت های جدید هستی شناسی کند؟

بگذارید پیش از ورود به این بحث، کمی به عقب تر برگردیم و به این نکته اشاره کنیم که کرونا، اولین و آخرین مورد از یک اپیدمی که جهانی را با خود درگیر کرده و پیش و پس از خودی به وجود آورده نیست و نخواهد بود. اگر چه این ویروس چیزی بیش از یک سال است که جهان و مردمانش را اسیر و گرفتار خود کرده و وضعیت بشر را در حالتی از استیصال، سوگ و ترس قرار داده اما در کنار تمام این مشکلات و مصایب پیش آمده، در سطح خرد و کلان مردم، بی سپردن بر این دشمن قرار نگرفتند و از دانشمندان و پزشکان و محققان تا مردمان عادی، تا هر جا که ممکن است و ممکن بوده است سپری برای مقابله به دست گرفته اند و این سپر، در واقع سپری است برای صیانت از نفس زندگی؛ و البته طبیعی است در هر جدالی کشته و قربانی نیز هست اما آنچه به چشم های زنده هستی و هستی دارا خواهد آمد، تلاش برای زیستن و زندگی است. این جنگ در تمام دنیا در حال انجام است و کرونا تنها یکی از مشکلات بزرگی بود که به مشکلات بزرگ جهان اضافه شد و با شکل و شمایلی متفاوت و قربانیان عینی بسیار، تمامی مناسبات سیاسی، اجتماعی، فردی و... را دستخوش تغییر کرد. بشر روزگاری را به خاطر نخواهد آورد که درگیر بیماری و درد نبوده باشد و به گواه و گفته ای دیگر باید بگوییم که از ازل تا به ابد، «مرگ» همیشه دور و بر انسان پرسه می زند و ویروس کرونایی که ما مردمان امروزی تجربه کرده و می کنیم گویی شکل تعین یافته و مشخص اما ناپیدا و میکروسکوپی از مرگ است که اطراف ما می گردد و می شود هر جایی، بی آنکه قابل دیدن باشد، آن را تصور کرد اما من اسم این شکل و شیوه از زندگی را با همه مخاطراتش، زندگی زیر سایه مرگ نمی گذارم.



## رسانه های مکتوب و غیر مکتوب در یک سال اخیر چه نقشی ایفا کردند

# سوژه های برای گزارش

علی اکبر قاضی زاده /  
روزنامه نگار



بود که بیشتر، کفه ترازو بر نقد و گلابه و ابراد گرفتن و مقایسه و... گذشت و تحلیل و نگاهی که قابل تأمل باشد یا بتواند چیزی را به جامعه اضافه کند یا باری از دوش آن بردارد نداشت، البته حتماً در این بین استثناهایی نیز وجود داشته و دارد. لابد همه می دانند که روزنامه ها درباره انتشار اخبار آنچنان دست بازی ندارند و در این راه، چشم شان به منابع رسمی خبر است و اخباری را که از این طریق به آن ها می رسد بازتاب می دهند که در مورد کرونا، نیز منبع خبر، وزارت بهداشت و ستاد ملی مقابله با کرونا به عنوان منبع اصلی مورد وثوق بوده و به دلیل حساسیت های موضوع و بسترهای پرخطر، کمتر شاهد گزارش های میدانی بودیم و این مسأله نیز طبیعی است؛ در واقع گزارشگران روزنامه های مکتوب و مدیران رسانه ای شان برای فرستادن یک خبرنگار به دل حادثه، حال بیمارستان باشد یا گورستان و... باید ریسک بزرگی را متقبل می شد و همه این ها از مشکلاتی است که با ادوار و شرایط پیش از این تفاوت هایی بنیادین را ایجاد می کند، یعنی کسی مثل من دیگر نمی تواند بر حسب

← بسیاری این سؤال را مطرح می کنند که آیا در دوران کرونا، رسانه ها در تعریف کلی توانستند به نقش و رسالت ذاتی خود عمل کنند یا نه. پاسخ به این سؤال مستلزم آن است که ما در وهله اول رسانه ها را به لحاظ جا، جایگاه و محل عرضه شان از هم تفکیک کنیم و ضمن این تفکیک به بررسی نقش آن ها بپردازیم؛ در این دوره خبرها به سرعت در فضای مجازی منتشر می شد و در این بین، طبیعی است رسانه های مکتوبی که روز بعد از هر خبری اصولاً منتشر می شوند خبرهایی سوخته و بیشتر منتشر شده داشته باشند که حالا دیگر کارایی ندارند و در این میان اما فرصتی فراهم بود برای تحلیل و گزارش و هر آنچه در فضاهای دیگر خبری یا آنچنان انعکاس پیدا نمی کرد یا به شکلی دستچین شده یا حتی سیاسی شده عرضه می شد، به عنوان مثال عملکرد رسانه های سراسری مکتوب و غیر مکتوب مانند صدا و سیما و روزنامه های رسمی طی یک سال اخیر هر کدام سعی کردند تا با توجه به مشی و روش و تفکر مدیران خود کار را پیش ببرند و در فضای مجازی هم اتفاقی که افتاد این